

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

استهزاء و آزار پیامبر

و اهل بیت علیهم السلام

این است دلیل تبری

۲۴ بهمن ۱۳۸۶

۵ صفر المظفر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ﴾^(۱) .

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویانند .

چکیده سخن؛

در جلسه گذشته و در ادامه سخن پیرامون عدالت صحابه، به آیاتی از سوره حشر اشاره کردیم. اهل سنت و نظریه پردازان عدالت صحابه با استناد به آیات ۹ و ۸ سوره حشر به ترتیب عدالت مهاجرین و انصار را ثابت می کنند و با تمسک به آیه ۱۰ همان سوره می گویند، آیندگان حق بدگویی و زشت گویی از صحابه را ندارند هر چند که مرتکب اعمال زشت و ناپسند شده باشند، و وظیفه

۱- سوره حشر، آیه ۸.

مسلمانان در قبال صحابه تنها طلب آمرزش و مغفرت برای آنها می‌باشد. همانطور که بیان کردیم، اهل سنت در تأیید استدلال خود به روایتی از عبدالله ابن عمر استناد می‌کنند، که روزی، شخصی از مهاجرین و انصار بدگویی می‌کرد، عبدالله ابن عمر به او گفت: آیا از مهاجرین هستی یا از انصار؟ آن فرد در پاسخ گفت از هیچ کدام و آرزو دارم که از آیندگان باشم، عبدالله بن عمر در پاسخ گفت: کسی که به مهاجرین و انصار ناسزا گوید، در زمره آیندگان قرار نخواهد گرفت^(۱).

حال اگر کسی بر اساس برهان قطعی مستند به آیات قرآن کریم خود را موظف کند که به ظالمین و ستم‌کنندگان به رسول الله ﷺ لعن و نفرین کند، متهم به کفر و ارتداد می‌گردد.

ایمان، شرط طلب مغفرت؛

اگر در آیه ۱۰ سوره حشر اندکی تأمل و دقت کنیم به ضعف استدلال اهل سنت پی می‌بریم. در این آیه قید مهمی ذکر شده است که اهل سنت از آن غافل‌اند، و آن سبقت در ایمان است.

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ﴾ .

پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، پیامبرز. مسلمانان موظف‌اند برای همه کسانی که سبقت در ایمان و اعتقاد راسخ و راستین به رسول الله ﷺ داشتند طلب مغفرت کنند، نه کسانی که تظاهر به اسلام و دینداری می‌کردند.

۱- الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۱۹۸.

توجه به برخی آیات مطلب را روشن تر می‌سازد. گروهی به محضر رسول الله ﷺ شرفیاب شدند و عرض کردند که ما ایمان آورده‌ایم - البته از این دست افراد در میان صحابه بسیار بودند - رسول الله ﷺ به دستور خداوند متعال به آنان فرمودند:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^(۱).

عربهای بادیه نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم، بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است.

نظر اهل سنت مبنی بر عدالت همه صحابه و طلب مغفرت برای همه آنان، نادرست و اشتباه است و یک نسبت بی اساس به وحی الهی است. ما باید برای مؤمنین واقعی که با همه وجود ایمان و اعتقاد راسخ به رسول الله ﷺ داشتند، طلب مغفرت و آمرزش کنیم.

حرمت طلب آمرزش برای کفار؛

علاوه بر قید ایمان که در آیه ۱۰ سوره حشر بیان شده بود، اصل اساسی و مهم دیگری در قرآن کریم وجود دارد و آن نهی و حرمت طلب آمرزش برای مشرکین و کسانی که در آتش جاودان هستند، می‌باشد. به دو آیه در این زمینه اشاره می‌کنیم.

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ

۱- سوره حجرات، آیه ۱۴.

مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١﴾.

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند، آن هم پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه اهل دوزخند.

بر اساس آیه فوق پیامبر ﷺ و مؤمنان حق ندارند برای مشرکان و کسانی که در آتش جاودان اند، طلب آمرزش کنند، حتی اگر از خویشاوندان نزدیک آنان باشند.

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ (۲).

و استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر] فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود تا وی را به ایمان جذب کند، اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خدا است از او بیزارى جست. به یقین ابراهیم مهربان و بردبار بود.

در این آیه نیز حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام از طلب آمرزش برای پدر خوانده‌اش نهی و منع شده است.

آیه فوق را می‌توان دو گونه تفسیر کرد:

الف: حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به عمویش قول داده بود اگر مسلمان بشوی و به خدا ایمان بیاوری برای تو طلب مغفرت و آمرزش می‌کنم، به این معنا که استغفار حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به دلیل وعده و قولی بود که به عمویش داده بود، اما

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۳.

۲- سوره توبه، آیه ۱۱۴.

همین که دریافت آزر ایمان نمی‌آورد، از او تبری جست.

بنا به دستور خداوند متعال حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از عموی خود که حق

پدری بر ایشان داشت، دوری جست و برای او طلب مغفرت نکرد.

ب: آزر به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ قول داده بود که ایمان می‌آورم، به این

معنا که (ابیه) فاعل فعل (وعد) باشد. به همین دلیل نیز حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ برای

او طلب مغفرت کرد، اما همین که دریافت آزر حاضر نیست ایمان بیاورد از او

دوری جست.

از این دو آیه به راحتی قابل استنتاج است که طلب مغفرت و آمرزش برای

غیر مسلمانان، دشمنان خدا و تمام کسانی که مرتکب گناهی می‌گردند که سزای

آن خلود در جهنم است، حرام و ممنوع می‌باشد.

عَلَّتْ تَعْمِيمٌ مِی دَهْدُ!

در علم اصول فقه می‌گویند عَلَّتْ، مَعْمَمٌ و مَخْصَصٌ^(۱) است؛ به این معنا

که اگر در موردی عَلَّتْ حکم ذکر شود، آن حکم در موارد مشابه نیز به دلیل وجود

عَلَّتْ، جاری می‌گردد. به عنوان مثال اگر شارع مقدس بگوید نوشیدن خمر حرام

است؛ زیرا موجب مستی می‌گردد، در می‌یابیم که عَلَّتْ حرمت در این حکم

مستی است؛ بنابراین این نوشیدن هر نوع مایع مست‌کننده دیگری هم حرام خواهد

بود.

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به کسانی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را

۱- مَعْمَمٌ؛ یعنی محدوده شمول حکم را گسترش می‌دهد. مَخْصَصٌ؛ یعنی محدوده شمول

حکم را محدود می‌کند.

مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند یا از جنگ فرار می‌کنند یا رسول الله ﷺ و مؤمنین را مسخره می‌کنند و یا معجونی از همه اینها را در باطن پلید خود جمع کرده‌اند و عده بقاء و جاودانگی در عذاب جهنم را داده است. به آیاتی در این زمینه توجه فرمایید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾^(۱).

آنها که خدا و پیامبر او را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.

﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۲).

خداوند کسانی که مردم را از جنگ باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به سوی ما بیایید، به خوبی می‌شناسد و آنها جز اندکی پیکار نمی‌کنند.

﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^(۳).

بازماندگان از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند.

۱- سوره احزاب، آیه ۵۷.

۲- سوره احزاب، آیه ۱۸.

۳- سوره توبه، آیه ۸۱.

﴿رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾^(۱).

آنها راضی شدند که با بازماندگان باشند، و بر دل‌هایشان مهر نهاده

شد، از این رو چیزی نمی فهمند.

﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا

جَهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۲).

آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیب جوئی می کنند،

و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار توانایی خود

دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند و

برای آنها عذاب دردناکی است.

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ *

وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ

وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾^(۳).

مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه‌اند، آنها امر به منکر و نهی

از معروف می کنند و دست‌هایشان را از انفاق و بخشش می بندند، خدا

را فراموش کردند و خدا نیز آنها را فراموش کرد به یقین، منافقان

همان فاسقان‌اند * خداوند به مردان و زنان منافق و کفار وعده آتش

دوزخ داده، جاودانه در آن خواهند ماند، خدا آنها را از رحمت خود دور

۱- سوره توبه، آیه ۸۷.

۲- سوره توبه، آیه ۷۹.

۳- سوره توبه، آیات ۶۸-۶۷.

ساخته و عذاب همیشگی برای آنها است.

﴿وَيُلْ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ﴾^(۱).

و ای بر هر عیب جوی مسخره کننده ای.

به غیر از عذاب الهی که شامل حال منافقان، مسخره کنندگان و بازماندگان از جنگ می‌گردد، خداوند متعال در قبال اعمال زشت و ناشایست آنان حکم و دستور ویژه‌ای داده است و آن عدم جواز و حرمت طلب‌آمزش برای آنان می‌باشد^(۲).

حرمت استغفار برای این افراد را به کمک قاعده معمم و مخصص بودن علت استنباط نمودیم. اکنون روی سخن با علمای اهل سنت است؛ حضرات نیز باید تکلیف خود را با این اصل - معمم و مخصص بودن علت - روشن کنند. آیا این اصل را قبول دارند یا خیر؟ در صورت پذیرش باید استدلال ما را بپذیرند و بسیاری از بزرگان خود را مشمول لعنت الهی بدانند. در غیر این صورت باید بگویند چرا این اصل اصولی و مسلم را قبول ندارند؟ اما آن چه که روشن است این که آنان در هر دو صورت - چه این قاعده اصولی را بپذیرند یا رد کنند - طعم تلخ شکست را خواهند چشید.

اهل سنت می‌پذیرند که در صدر اسلام افرادی از صحابه رسول الله ﷺ منافق بودند. برخی نیز پیامبر ﷺ را آزار می‌دادند و مسخره می‌کردند. این را هم می‌پذیرند که به نص صریح قرآن کریم به افراد فوق وعده عذاب و دوزخ داده شده است. حال پرسش ما از آنان این است که چگونه و بر چه اساسی به آیه ۱۰

۱- سوره همزه، آیه ۱.

۲- سوره توبه، آیه ۱۳.

سوره حشر تمسک می‌کنند و می‌گویند باید برای تمام مهاجرین مکی و انصار مدنی طلب مغفرت و آمرزش کرد، و کینه به دل داشتن و بدگویی از آنان حرام است؟ آیا در آیات قرآن کریم تأمل نمی‌کنند؟ آیا نمی‌نگرند که خداوند متعال به صراحت آنان را مورد لعن و سب قرار داده است و سرانجام آنان را جهنم و خلود در آن دانسته است؟ همانطور که برخی از صحابه، رسول الله ﷺ و مؤمنین را مسخره می‌کردند، شما نیز که با این طرز تفکر، حقایق تاریخی را تحریف نموده و آیات الهی را مسخره می‌کنید باید بدانید که به همان سرنوشت گرفتار خواهید گشت.

تبری از دشمنان خدا و پیامبر ﷺ؛

خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره مجادله قانونی کلی و عمومی وضع می‌کند که پیروی از آن برای هر مسلمانی واجب و لازم است که به مناسبت کلام اندکی در این آیه تأمل می‌کنیم^(۱).

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۲).

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا

۱- متأسفانه امروزه این آیه شریفه گرفتار تأویلات و توجیهاات ناپسندی شده است.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۲.

برادران یا خویشاوندانشان باشند، آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خویش آنها را تقویت فرموده و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است. جاودانه در آن می‌مانند خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند، آنها حزب الله‌اند، بدانید حزب الله پیروزان و رستگارانند.

طبق آیه فوق یکی از نشانه‌های مهم ایمان عدم دوستی با دشمنان خدا و رسول خدا ﷺ است. حال این دشمن هر نسبتی که با ما داشته باشد مهم نیست، پدر، فرزند و بستگان ... خداوند متعال در قبال عدم دوستی و مودت با آنان، وعده نصرت و پیروزی می‌دهد و انسانهایی را که چنین ویژگی دارند، «حزب الله» می‌خواند.

به تعبیر قرآن کریم «حزب الله» کسانی هستند که در دل نیز نسبت به دشمنان خدا و رسول الله ﷺ احساس دوستی و محبت ندارند. کسی که ادعای حزب الله بودن می‌کند اما در دل سینه چاک دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، دروغگویی بیش نیست.

خداوند متعال در آیه فوق برای دشمنان خود و رسول الله تعبیر ﴿مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ را به کار می‌برد.

واژه حَادَّ تعبیر کنایی از حدید (آهن) به معنای دشمنی شدید، کینه توزانه و در حد قتل می‌باشد^(۱).

به راستی آیا باید برای کسانی که تا این حد دشمن رسول الله ﷺ بودند

۱- مفردات الفاظ القرآن، صفحه ۱۰۸.

و کمر به قتل ایشان بسته بودند، طلب آمرزش و مغفرت کرد؟!

خداوند متعال دربارهٔ این دشمنان قسم خورده می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنَ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ﴾ (۱).

آیا نمی‌دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است، جاودانه در آن می‌ماند؟ این همان رسوایی بزرگ است.

خداوند در آیهٔ دیگری سرانجام این افراد را پستی و خواری می‌داند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَعْلَىٰ * كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (۲).

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند، آنها در زمرهٔ ذلیل‌ترین افرادند * خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

به نص صریح قرآن کریم و حکم جاودانه الهی، ذلت و خواری از آن دشمنان و قوت و نصرت از آن رسول الله ﷺ و مسلمانان است. خداوند متعال به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبدا قوت و شوکت صوری و ظاهری کفار شما را نگران و مضطرب کند و دست دوستی با دشمنان بدهید و اندک اندک محبت آنان در دل‌های شما جای گیرد. فریب نخورید و بدانید پیروزی از آن شما است. حق همیشه پیروز است و باطل زودگذر و ناپایدار.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

۱- سورهٔ توبه، آیه ۶۳.

۲- سورهٔ مجادله، آیات ۲۱- ۲۰.

«لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ، لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ»^(۱).

حق دارای قدرت و حکومت است و باطل دارای جولان. بنابر این باید نسبت به دشمنان رسول الله ﷺ و کسانی که ایشان را اذیت و مسخره می‌کردند، تبری داشته باشیم و از تولی آنان گریزان باشیم. و به عنوان یک مؤمن واقعی و راستین باید نسبت به دشمنان خدا و رسولش در دل کینه و بغض داشته باشیم.

تاریخ بهترین گواه وجود دشمنان؛

نظریه پردازان عدالت صحابه پاسخ دهند، آیا کسانی که با رسول الله ﷺ دشمن بودند و ایشان را می‌آزردند و قرآن جایگاه آنان را دوزخ دانسته عادل هستند؟

روایات مسلم و تاریخ قطعی، خیانت و دشمنی برخی از صحابه را ثبت و ضبط کرده است. چه کسانی پس از بازگشت از جنگ تبوک در عقبه، قصد ترور رسول الله ﷺ را داشتند^(۲)؟ آیا آنان کسانی به جز صحابه بودند؟ صحابه منافقی که نقاب ایمان بر چهره زده بودند.

از جمله مسخره کنندگان حکم ابن العاص بود که پشت سر پیامبر ﷺ راه می‌رفت و ایشان را مسخره می‌کرد و حرکات نامناسبی انجام می‌داد. روزی پیامبر ﷺ که او را در حال تمسخر دیدند ناراحت شدند و فرمودند:

«کن كذلك»^(۳).

همین گونه باش.

۱- عیون الحکم والمواعظ، صفحه ۴۰۳.

۲- در مورد جنگ تبوک و حوادث پیرامون آن رجوع کنید به جزوه شماره ۳۶.

۳- الغدير، جلد ۱ صفحه ۲۶۰، از منابع اهل سنت بنگرید به: مستدرک حاکم، جلد ۲ صفحه ۶۲۱، الاصابة، جلد ۲ صفحه ۹۱.

و او تا آخر عمر به همان شکل کریه و قبیح خود ماند.

هنگامی که فرزند حکم به نام مروان به دنیا آمد، او را نزد رسول الله ﷺ بردند، و ایشان در حق او فرمودند:

«الوزغ ابن الوزغ الملعون ابن الملعون»^(۱).

قورباغه، فرزند قورباغه، لعنت شده، فرزند لعنت شده.

خبثت حکم ابن العاص به حدی رسید که به دستور پیامبر ﷺ از مدینه

تبعید شد و خلیفه اول و دوم نیز جرأت نکردند او را باز گردانند، اما عثمان او را به مدینه باز گرداند^(۲).

آیا کسی را که خدا و رسول الله ﷺ او را لعنت و سب کرده‌اند، باید عادل

دانست و برای او طلب مغفرت کرد؟!

خداوند متعال در رابطه با مستهزئین و مسخره کنندگان می‌فرماید:

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^(۳).

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر

اینکه او را استهزاء می‌کردند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا

عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلَ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾^(۴).

۱- الکنی واللقاب، جلد ۱ صفحه ۲۹۷، از منابع اهل سنت بنگرید به مستدرک حاکم، جلد ۴ صفحه ۴۷۹.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۰ صفحه ۳۷۰، از منابع اهل سنت بنگرید به اسد الغابة، جلد ۲ صفحه ۳۴، العقد الفريد، جلد ۲ صفحه ۲۶۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۵ صفحه ۲۳۹.

۳- سوره یس، آیه ۳۰.

۴- سوره مائده، آیه ۱۰۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند، و اگر به هنگام نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می‌شود، خداوند آنها را بخشیده و نادیده گرفته است و خداوند آمرزنده و بردبار است.

ابن عباس در باره شأن نزول این آیه می‌گوید:

«کان قوم یسألون رسول الله ﷺ استهزاء فیقول الرجل من أبی؟ ویقول الرجل تضل ناقتی این ناقتی»^(۱)؟

گروهی از روی تمسخر از رسول الله ﷺ پرسش می‌کردند، مثلاً مردی می‌گفت: پدرم که بود؟ یا مردی که شترش را گم کرده بود، می‌پرسید شترم کجا است؟

رفتار صحابه با اهل بیت پیامبر ﷺ؛

آیا باید از کسانی که رسول الله ﷺ و دختر ایشان حضرت صدیقه کبری علیها السلام را آزرده، تقدیر و تشکر به عمل آورد؟! ظاهراً مبانی اهل سنت به این پرسش ما پاسخ مثبت می‌دهد.

اهل سنت روایت کرده‌اند که آزار حضرت فاطمه علیها السلام هم ردیف آزار رسول الله ﷺ است و در قرآن آمده است که آزار رسول الله ﷺ همسنگ آزار خداوند است که نتیجه‌ای جز جهنم ندارد و از طرف دیگر نیز روایت کرده‌اند که حضرت زهرا علیها السلام از ابو بکر و عمر غضبناک و ناراضی بودند. از کنار هم قرار دادن

۱- بحار الانوار، جلد ۲۲ صفحه ۳۱ از منابع اهل سنت بنگرید به صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۹۰، السنن الکبری، جلد ۶ صفحه ۱۹۱.

این روایات و آیات، چه نتیجه‌ای به دست می‌آید؟

استدلال فوق مبتنی بر روایاتی است که اهل سنت در کتب خود نقل کرده‌اند. در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«فاطمة بضعة مني من أذها فقد أذاني»^(۱).

فاطمه [علیها السلام] پاره تن من است، هر که او را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.

و نیز می‌فرماید:

«فاطمة بضعة مني من أغضبها، أغضبني»^(۲).

فاطمه [علیها السلام] پاره تن من است، هر که او را غضبناک سازد مرا غضبناک کرده است.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«يا فاطمة! إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»^(۳).

ای فاطمه [علیها السلام]! خداوند با خشم تو خشمگین و با خشنودی تو خشنود می‌گردد.

روایتی از اهل سنت نقل شده که به روشنی دلالت می‌کند حضرت

۱- امالی صدوق، صفحه ۱۶۵، بحار الانوار، جلد ۲۷ صفحه ۶۲، از منابع اهل سنت بنگرید به: سنن الکبری، جلد ۱۰ صفحه ۲۱۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۲۹ صفحه ۳۲۷، از منابع اهل سنت بنگرید به: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۱۰ فتح الباری، جلد ۷ صفحه ۶۳، فضائل الصحابة، صفحه ۷۸.

۳- بحار الانوار، جلد ۳۰ صفحه ۲۵۳، احتجاج طبرسی، جلد ۲ صفحه ۱۰۳، از منابع اهل سنت بنگرید به: مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۴، کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۶۷۴.

زهرای علیها السلام از ابو بکر و برخی از صحابه خشمگین و ناراحت بودند.

«فہجر تہ ، فلم تکلمہ حتی توفیت وعاشت بعد النبی صلی اللہ علیہ وسلم ستۃ أشهر ،

فلما توفیت دفنھا زوجها علی علیہ السلام لیلاً ولم یؤذن بہا أبا بکر»^(۱).

حضرت زهرا علیها السلام از ابو بکر روی برگرداندند و با او تا هنگام وفات سخن نگفتند، و شش ماه پس از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فوت کردند، پس از فوت، امیرالمؤمنین علیہ السلام ایشان را شبانه به خاک سپردند و ابو بکر را آگاه نکردند.

آیا باید برای کسانی که حضرت زهرا علیها السلام را آزرده، طلب مغفرت کنیم؟!

آنچه از نص قرآن کریم فهمیده می شود و جز این نمی تواند باشد این است که ما باید نفرت و کینه چنین افرادی را در دل خود داشته باشیم و هم‌نوا با خدا و رسولش به لعن و نفرین آنان بپردازیم.

این چه فقه و فقہات و چه فهمی از دین و آیات قرآن کریم است که علمای اهل سنت دارند؟ عدالت صحابه به چه برهان و استدلالی مبتنی است؟ پشتوانه اعتقادی آنان چیست؟ سلفی‌ها و وهابیتون چه پاسخی در برابر استدلال ما دارند؟ آیا آنان راهی جز مغالطه، تحریف قرآن کریم و حقایق تاریخی دارند؟ آنها پاسخ این سؤال را چگونه می دهند؛ شرکت در تشییع جنازه امری مستحب است و برای متوقی و تشییع کنندگان اجر و ثواب دارد پس چرا امیرالمؤمنین علیہ السلام حضرت زهرا علیها السلام را مخفیانه و شبانه به خاک سپردند؟ امام صادق علیہ السلام در پاسخ به این پرسش می فرماید:

۱- بحار الانوار، جلد ۲۸ صفحه ۳۱۲، از منابع اهل سنت بنگرید به: صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۸۲، صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۵۴، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۶، صحیح ابن حبان، جلد ۱۱ صفحه ۱۵۳.

«لَأْتِيَا أَوْصَتَ أَنْ لَا يَصَلِّيَ عَلَيْهَا الرَّجُلَانِ الْأَعْرَابِيَّانِ»^(۱).

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ وصیت کردند که آن دو مرد اعرابی بر او نماز نخوانند.

و در روایتی دیگر آمده است:

«أَوْصِيكَ يَا ابْنَ عَمٍّ!... أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَأَخَذُوا حَقِّي فَأَيُّهُمْ أَعْدَائِي وَأَعْدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^(۲).

ای پسر عمو! به تو سفارش می‌کنم هیچ کس از افرادی که به من ظلم کردند و حق مرا گرفتند در تشییع جنازه من حاضر نشوند؛ زیرا آنان دشمنان من و دشمنان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند.

ابن ابی الحدید که از اهل تسنن و معتزلی است، با احتیاط فراوان و بسیار گذرا رفتار صحابه با امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را این گونه بیان می‌کند:

«وَسَاقَهُمَا عَمْرٌ وَمِنْ مَعَهُ سَوْقًا عَنيفًا وَاجْتَمَعَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ وَامْتَلَاتِ شُورَاعَ الْمَدِينَةِ بِالرِّجَالِ؛

عمر و همراهان او (امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و زبیر را) با شدت از خانه بیرون کشیدند، مردم همگی گرد آمدند و نگاه می‌کردند و خیابانهای مدینه مملو از جمعیت شد.

ورأت فاطمة ما صنع عمر، فصرخت وولولت... ونادت يا أبا بكر! ما أسرع ما أغرتم على اهل بيت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! والله لا اكلم عمر حتى ألقى الله»^(۳).

۱- بحار الانوار، جلد ۳۱ صفحه ۶۲۰، علل الشرايع، جلد ۱ صفحه ۱۸۵ (با اندکی تفاوت).

۲- روضة الواعظين، صفحه ۱۵۱.

۳- شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۴۸.

هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام عملکرد عمر را دیدند، فریاد کشیدند و ناله سر دادند و فریاد زدند ای ابو بکر! چه زود مقام و جایگاه اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله را فراموش کردی و می خواهی فرییمان دهی، به خدا سوگند تا هنگامی که با خداوند رو برو گردم با عمر سخن نخواهم گفت. به راستی در آن روزگار در جامعه و مردم چه اتفاقی روی داد که در کمتر از شش ماه این گونه منقلب شدند و تمام سفارشهای پیامبر صلی الله علیه و آله را فراموش کردند و با امیرالمؤمنین علیه السلام به گونه ای رفتار نمودند که گویی اصلاً واقعه غدیر خم روی نداده است.

صحابه به این مقدار بسنده نکردند. آنان علاوه بر غضب ولایت خواسته دیگری نیز داشتند و آن از بین بردن اهل بیت علیهم السلام بود، به همین دلیل عمر جنایت خونینی را رقم زد که اهل سنت نیز چاره ای جز اعتراف به آن ندارند. «إن عمر رفس فاطمة حتى أسقطت بمحسن»^(۱).

عمر با لگد به فاطمه علیها السلام زد که منجر به سقط جنین ایشان محسن علیه السلام گردید.

رسول الله صلی الله علیه و آله در رابطه با مقام و جایگاه اهل بیت خود می فرماید: «ليلة عرج بي إلى السماء رأيت علي باب الجنة مكتوباً لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علي حبيب الله، الحسن والحسين صفوة الله، فاطمة خيرة الله، علي باغضهم لعنة الله»^(۲).

هنگامی که به معراج رفتم، دیدم که بر درب بهشت نوشته شده بود: خدایی به جز خدای یگانه نیست، محمد صلی الله علیه و آله رسول الله، علی علیه السلام

۱- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۱۳۹ (از منابع اهل سنت).

۲- بحار الانوار، جلد ۸ صفحه ۱۹۱ (با اندکی تفاوت) از منابع اهل سنت بنگرید به: تاریخ بغداد، جلد ۱ صفحه ۲۵۹، مناقب خوارزمی، صفحه ۲۴۰.

حبیب الله، حسن و حسین [علیهم السلام] برگزیده خدا و فاطمه [علیها السلام] [متخب خدا است، بردشمن آنان لعنت خدا باد .

و در روایتی دیگر رسول الله ﷺ می فرماید:

«والَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ»^(۱).

سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ کس کینه ما اهل بیت را در دل ندارد مگر آنکه خداوند او را داخل جهنم می کند.

در یک کلام، استدلال ما مبنی بر لعن و نفرین کسانی که دختر گرامی

رسول الله ﷺ را آزرده بدین قرار است: اذیت و ظلم حضرت صدیقه کبریٰ [علیها السلام]؛

یعنی ظلم و ستم به رسول الله ﷺ و ظلم به رسول الله ﷺ همسنگ ظلم به خداوند متعال است. لعن و نفرین هر کس که به خداوند سبحان ظلم کند واجب است. در نتیجه لعن و نفرین ستم کنندگان حضرت زهرا [علیها السلام] واجب است. این استدلال، استدلالی منطقی است و هیچ خلل و ضعفی ندارد. نقطه مقابل این استدلال، وهابیان و سلفی ها هستند که می گویند: توهین به ابو بکر و عمر حرام و قتل توهین کننده واجب است. از آنان می خواهیم نخست ادله خود را بیان کنند و استدلال ما را نقد نمایند.

پرسشهایی از اهل سنت؛

ما با هیچ کس بی دلیل دشمن نیستیم و کینه ما نسبت به برخی از صحابه برخاسته از هوا و هوس نیست. پرسشهایی داریم و پاسخ آن را می طلبیم؛ آیا

۱- بحار الانوار، جلد ۷۲ صفحه ۱۵۰، از منابع اهل سنت بنگرید به: مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۰، الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۷، صحیح ابن حبان، جلد ۱۵ صفحه ۲۳۵.

معاویه با امیرالمؤمنین علیه السلام، عادلانه رفتار کرد؟ آیا یزید با سید الشهدا علیه السلام و اهل بیت ایشان عادلانه رفتار کرد؟

حضرت زینب علیها السلام در شام و خطاب به یزید می‌فرماید:

«أمن العدل يا بن الطلقاء! تخديرك حرائك وإمائك وسوقك بنات رسول الله صلى الله عليه وسلم» (۱).

ای فرزند آزاد شده رسول الله صلى الله عليه وسلم آیا رفتار تو عادلانه است که زنان و همسران در خانه و پرده نشین اند و دختران رسول الله صلى الله عليه وسلم را در خیابانها می‌چرخانی؟

آیا رفتار سپاه یزید با سید الشهدا علیه السلام و خانواده گرامی ایشان عادلانه بود؟ هنگامی که حضرت رقیه علیها السلام، دختر سه ساله سید الشهدا علیه السلام، در خرابه شام از غصه جان سپردند، فردی برای غسل و کفن کردن او آمد. هنگامی که بدن سیاه و کبود دختر بچه را مشاهده کرد گفت: «به چه علت این دختر بچه را کتک زدید و بدن او را کبود کردید؟»

آیا این رفتار با دختر خردسال عادلانه است؟ اگر عادلانه نیست، که نیست، چرا لعن و نفرین این جنایتکاران خون آشام واجب نباشد؟ انشاء الله خداوند متعال ما را با محبت اهل بیت علیهم السلام بمیراند و بغض و کینه دشمنان آنان را تا قیام قیامت در دلهای ما مستدام بدارد.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

خودآزمایی؛

- ① شرط مهم برای طلب مغفرت چیست؟
- ② طلب آمرزش برای چه کسانی حرام و ممنوع است؟
- ③ حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام چرا برای عمویش طلب مغفرت کرد؟
- ④ معمم و مخصّص بودن علت را توضیح دهید.
- ⑤ خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره مجادله چه دستوری به همه مسلمانان می‌دهد؟
- ⑥ حزب الله در تعریف قرآن کریم چه کسانی هستند؟
- ⑦ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حکم ابن العاص چه فرمودند؟
- ⑧ حضرت زهرا عَالِيهَا السَّلَام هنگام شهادت از چه کسانی غضبناک بودند؟
- ⑨ چرا حضرت زهرا عَالِيهَا السَّلَام وصیت کردند که شبانه و مخفیانه به خاک سپرده شوند؟
- ⑩ حضرت زینب عَالِيهَا السَّلَام در شام به دشمنان چه فرمودند؟
- ⑪ ابن ابی الحدید سنی در مورد ظلم به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه می‌نویسد؟
- ⑫ استدلال منطقی شیعه بر لعن آزار دهندگان به دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شرح دهید.

در یک کلام ، استدلال ما مبنی بر لعن و نفرین کسانی که دخترگرمی رسول الله ﷺ را آزرده بدین قرار است : اذیت و ظلم حضرت صدیقه کبری ﷺ ؛ یعنی ظلم و ستم به رسول الله ﷺ و ظلم به رسول الله ﷺ همسنگ ظلم به خداوند متعال است . لعن و نفرین هر کس که به خداوند سبحان ظلم کند واجب است . در نتیجه لعن و نفرین ستم کنندگان حضرت زهرا ﷺ واجب است . این استدلال ، استدلالی منطقی است و هیچ خلل و ضعفی ندارد . نقطه مقابل این استدلال ، وهابیان و سلفی ها هستند که می گویند : توهین به ابو بکر و عمر حرام و قتل توهین کننده واجب است . (صفحه ۲۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۲

۴۵